

پرونده ویژه روزنامه «فرهیختگان» به مناسبت ولادت باسعادت امام رضا(ع)

فرهیختگان

شماره ۴۰۴
صفحه ۱۶
۱۰۰۰۰ تومان

چهارشنبه
۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
۹ دی‌القمده ۱۴۴۶
۷ می ۲۰۲۵

امام رضا

جامعه متکثر ایرانی چطور ذیل عناصر دیانت و ملیت مفصل بندی می شود
و چطور این تصویر ذیل ارادت و احترام به حضرت رضا(ع) ظهور و بروز پیدا می کند

ایران امام رضا

۱۶ و ۱۵،۱۴،۸،۷،۲،۱

امام رضا (ع) و ایران



سیدجواد شوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

همین الان اگر جست‌وجو کنید صدها مقاله درباره فرهنگ و تمدن رضوی و بحث‌های معرفتی حضرت رضا(ع) در اینترنت مشاهده خواهید کرد؛ مسائلی ازاین دست که امام رضا(ع) یک ظرفیت بی‌نظیر برای ایرانیان است هم به‌شدت از لنزهای گوناگونی بررسی شده است اما در واقع یک نکته خیلی مهم بین رابطه امام رضا(ع) و ایده ایشان با کشور ایران نه از منظر صرفاً جغرافیایی بلکه ایران فرهنگی وجود دارد. امام رضا(ع) دارای کنشی به‌شدت پیچیده بودند که این پیچیدگی بسیار به ایده ایران نزدیک است؛ ایران سرزمینی است که بیش از آنکه فرصت باشد تهدید بوده است؛ امکان ماندن ایران به نام ایران فعلی و خالی نشدن از ایده معرفتی استفاده از ظرفیت تهدید‌یاب‌ها به فرصت بوده است؛ یعنی سرزمینی که هر چند دچار بحران‌های وسیعی بوده است؛ اما در مواردی این بحران‌ها را پلی برای ارتفاع و قدرت‌گیری کرده است؛ آنچه در ایده امام رضا(ع) هم دیده می‌شود همین مسئله است؛ یعنی امام در زمانه بحران‌های وسیع بوده است ولی این بحران‌ها را به فرصت و پیروزی بزرگ بدل کرده است.

ادامه در صفحه ۷

خورشید به تشییع آمده بود



مصطفی شوقی
مستندساز

هنوز به آن پیکری بی‌سر فکر می‌کنم؛ مادر با تشویش و نگرانی، می‌خواست صورت پسر را ببیند و برادر فریاد می‌زد؛ اجازه نمی‌دهم و پدر که بی‌صداگر به می‌کرد. من اما حیرت‌زده میانشان بودم... قبری پر از گل سرخ که پرچم حرم حضرت زینب‌کبری سلام الله علیها را داخل گردی آن پهن کرده بودند و پیکر جوان داماد نشده... یک سرگردن کوتاه‌تر... در عجیب‌ترین روزهای زندگی به سر می‌بردم؛ فصل برداشت مستندسازی، روزنامه‌نگاری و طوفان الاقصی که دنیا را به چالش کشیده بود. از سرعت اتفاقات آن روز بگویم می‌فهمید؛ صبح زود از تهران به بغداد رفتم؛ پیش از ظهر نزدیک ساختمان تل‌ماتی بغداد، قرار ملاقاتی داشتم که صدایی مهیب همه چیز را به تعلیق برد. ساعتی بعد خبر آمد که آمریکایی‌ها در روز روشن «ابوتقوی» مجاهد بزرگ عراقی را که فرمانده کمربند امنیتی شهر بغداد بود، به بهانه ترتیب دادن حملاتی علیه اهدافی آمریکایی و اسرائیلی ترور کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۷

هنوز گلویم می‌سوزد!



مرتضی درخشان
روزنامه‌نگار

یک. مثل خیلی از شماها من هم آدمی تصویری بودم و برای اغلب پدیده‌ها و معانی اطراف خودم تصویری می‌ساختم؛ به‌خصوص برای ائمه‌امن نمی‌خواستم تمثال‌هایی را که با استفاده از الگوهای عجیب و غریب برای معصومین ساخته شده بودند باور کنم، برای همین تصویر خودم از ائمه و بزرگان دین را داشتم. مثلاً برای من حضرت علی علیه‌السلام مردی مهربان، لباسی ساده، شمشیر و آستین‌های بالا زده بود، یک‌طوری که احساس می‌کردم یا مشغول کار کردن در نخلستان است یا به مردم کمک می‌کند یا مشغول نبرد است. یک پدر دلسوز، یک مرد کامل، یکی که همیشه دلت می‌خواست بروی جلو و سلام کنی یا به‌عنوان مثال حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام یک فرمانده بود یا زرهی بلند به تن و کلاه‌خودی با پر سبز روی سر که دوست‌داشتی بنشین و مبارزه‌کردنش را با کیف تماشا کنی! از آن فرماندهانی که ابهت دارد. از آن‌هایی که حتی تو که طرف‌دارش هستی هم جرئت نمی‌کنی خیلی نزدیک شوی و حس می‌کنی اخمش هم برای ترک خوردن زهره‌آدم کافی است.

ادامه در صفحه ۲

ملّی‌تر از پایتخت



رضا کردلو
فعال فرهنگی

از ۲۵۰۰ سال تاریخ پادشاهی و دولت-ملت‌ها در ایران، ۱۴۰۰ سال، یعنی بیش از نیمی از این تاریخ، درهم تنیده با دوران اسلامی است. آنچه از اسلام در ایران مورد توجه قرار گرفت به چند دلیل مشخص، متفاوت از قرآنی بود که در نقاطی غیر از ایران رواج داشت. اسلام آوردن مسلمان به‌عنوان یک ایرانی و قرار گرفتن در ردیف صحابه و «مُتاهل البیت»، تفکیک و تمایزی که بعد از پیامبر میان ایرانیان و اعراب از سوی خلفا رایج شد، مواجه شدن ایرانیان با دو قرأت عمده از اسلام: اسلام یزیدی و اسلام حسینی، حضور شاگردان امام صادق (ع) به‌عنوان مؤسس مذهب در ایران، حضور امامزادگان متعدد که از ظلم خلفای بغداد به ایران پناه آورده بودند و نهایتاً حضور «امام رضا» علیه‌السلام در ایران، ظرفیت علاقه و ارادت ایرانیان به اهل بیت را فراهم کرد. در بیش از ۷۰۰ سال تسلط مذهبی مستقیم و غیرمستقیم خلفای اموی و عباسی، این ارادات سینه به سینه منتقل شد.

ادامه در صفحه ۲

لوکیشن ۳۶/۲۸۸، ۵۹/۶۱۵۷



هادی مقدم‌دوست
نویسنده و کارگردان

اول؛ آدمی چه بپذیرد چه نپذیرد، فقیر است. دل‌ها به این فقر شهادت می‌دهند. حتی دل‌های افتاده به چنگ انکار. آدمی محتاج است. حاجت دارد. هر حاجتی. از حاجت آب و نان تا حاجت نوازش و جاه و احترام و پناه. این طبیعت آدمی است. انکارش اتلاف وقت است. اصلاً انکارش هم اثبات این فقر است. تقلا برای رهایی از همین فقر هم باز دال بر وجود همین فقر است. کلاً همین است و انکارش خنده‌دار است. دوم؛ آدمی عزت‌مند است. طبع بلند دارد. تحقیر به آدم نمی‌سازد. از خفت بیزار است. اگر نیازمند است، اگر فقیر است، اگر تمنا و حاجت دارد، عزتش باید مواظبت شود. خفت بکشد ممکن است دق نکند و نمیرد اما پدرش درمی‌آید. فطرت تعارف ندارد. فطرت در برابر پلشتی مقاومت و اعتراض دارد. آدمیزاد کم و بیش -پنهان و آشکار- چوب دراز کردن دست پیش این و آن را خورده است.

ادامه در صفحه ۲

گم‌شدن برای پیدا شدن



محمد صالح سلطانی
نویسنده

همه ما حداقل یک بار آنجا گم شده‌ایم. نمی‌شود آدم به آن صحن‌های تودرتو و رواق‌های بزرگ برسد و میان آن همه نور و صدا گم نشود یا هم سفرش را گم نکند. اولین بار در میانه ۱۲ سالگی‌ام بود که آن جا گم شدم. نمی‌دانم چه شد که دستم از دست بابا جدا شد و ندیدمش. ساعت قرار بابا با مامان برای بعد زبارت را می‌دانستم و با خودم گفتم این یک ساعتی که تا آن زمان مانده را برای خودم توی حرم پرسم می‌زنم و سر ساعت می‌روم سر قرار و پیدایشان می‌کنم. آن یک ساعت، اولین یک ساعتی عمرم شد که تنها در حرم بودم. بین صحن‌ها می‌چرخیدم، زیارت‌نامه ورق می‌زدم، گوشه‌ای می‌نشستم، راه‌های مخفی بین صحن‌ها را کشف می‌کردم، به اتاق استراحت خدام سرک می‌کشیدم.

ادامه در صفحه ۷

بستری مقدس برای هم‌بستگی ملّی



مسعود زمانی مقدم
جامعه‌شناس

هر ساله میلیون‌ها نفر از سراسر ایران گرد هم می‌آیند تا در حرم امام رضا(ع)، فضایی سرشار از معنویت و تجربه‌ای مشترک در زیارت و عبادت را رقم بزنند. حرم رضوی صرفاً یک زیارتگاه مذهبی نیست؛ این مکان، نمادی ملّی برای ایران است، جایی که هویت دینی و ایرانی در هم تنیده شده و وحدت و همبستگی اجتماعی تبلور می‌یابد. زائران از تمام اقوام ایرانی در این کانون مقدس به هم می‌پیوندند و تفاوت‌های قومی، زبانی و طبقاتی را در سایه هویتی مشترک به حاشیه می‌رانند. از منظر جامعه‌شناسی، این زیارتگاه عظیم نه تنها یک مکان دینی، بلکه بستری پویا برای بازتولید سرمایه اجتماعی، تقویت هویت ملّی و کاهش شکاف‌های اجتماعی است.

ادامه در صفحه ۷

قلب تپنده و پیونددهنده ملیت



سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در تمام تاریخ ایران شهری به اهمیت «مشهد» وجود ندارد. این اهمیت وام‌دار حضور بارگاه امام رضا(ع)، امام هشتم شیعیان و نواده برجسته پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) است. اگر این بارگاه وجود نداشت، شهر مشهدواستان «خراسان رضوی» با وضعیت کنونی وجود نداشتند و در نتیجه پهنه وسیع شرق ایران در مجاورت مرزهای مهم و در در سرازیدن مرکزیت باقی می‌ماند؛ موضوعی که خطرات خاصی به همراه داشت. در میان ۱۹ کلاتشهر رسمی ایران، تنها مشهد به شرق کشور تعلق دارد و باقی در قسمت غربی واقع شده‌اند. اگر در مدیریت ایران، تهران به‌عنوان پایتخت، در مدیریت شمال غرب؛ تبریز به‌عنوان شهر عمده این منطقه و در جنوب؛ شیراز به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر اهمیت دارند، شرق بدون مشهد فاقد نقطه‌ای برای تدبیر امور بود.

ادامه در صفحه ۲

امام از بچه با حال‌های روزگار



عطیه همتی
دبیرگروه جامعه

راننده تاکسی خطی، یک ریز داشت تلفنی حرف می‌زد. با شرکت‌های مختلف، با آژانس‌های هواپیمایی. خیلی هم از بالا به پایین زنگ می‌زد. جوان درشتی بود. خانه پر ۳۵ ساله بود. یک تیشرت مشکی طرح‌دار پوشیده بود و با یک دست رانندگی می‌کرد و دست دیگرش مدام داشت تماس می‌گرفت. یک باری تماس گرفت، خیلی مستخوان قورت داده و رسمی چیزهایی پشت تلفن گفت که اولش حوصله‌ام نگرفت مکالمه‌اش را گوش کنم، فقط می‌شنیدم درباره جابه‌جایی ارز و تبدیل پول که مربوط به کارش بود، چیزهایی می‌گفت. یکبار دیگر تماس گرفت و به انگلیسی کاملاً روان صحبت کرد. دفعه بدترش فارسی حرف زد و با یک خانم که گویا مسئول چیزی بود درگیری لفظی پیدا کرد. داشتم از حجم مکالماتش کلافه می‌شدم.

ادامه در صفحه ۲

بنشین یک گوشه‌ای به خلوت، چیزی در گوش به نشانه تمرکز محض. چینی روی پیشانی به معنای محو شدن در کار. اخمی روی صورت به معنای جدا شدن از دنیا. بیفتی به فکر کردن به متن برای فکر نکردن به چیز دیگری. غرق شدن، ذوب شدن در سطوح‌های پیش رو. بنشین به گوشه‌ای. فوق نمی‌کند کجا. هر کجا وصل شوی. هر کجا آنتن بدهد. هر کجا که دل و ذهن و مغزو انگشت و چشم، از هر چه در دنیا به دور بمانند و تمام قد، تمام هوش، تمام وجود وقف شوند در هدف؛ در کلمات؛ در جملات؛ در آنچه پیش روست؛ در آنچه در حالت عادی دست‌نیافتنی است؛ همچون پیانستی که تمام وجودش خلاصه شده باشد در انگشتان، همانند نقاشی که جز منظره و بوم چیز دیگری نبیند...

ادامه در صفحه ۷